

نقش سبک‌های دلبستگی در ارجحیت ملاک‌های انتخاب همسر

The Role of Attachment Styles in Mate Selection Preferences

Narges Razeghi PhD Candidate, Department of Psychology, College of Humanities and Social Sciences, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran	Mohammad Ali Mazaheri, PhD Department of Psychology, College of Humanities and Social Sciences, Science and Research branch Islamic Azad University Tehran, Iran	محمدعلی مظاهری استاد گروه روان‌شناسی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران	نرگس رازقی دانشجوی دکتری گروه روان‌شناسی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران
Hasan Ahadi, PhD Department of Psychology College of Humanities and Social Sciences Islamic Azad University Science and Research branch Tehran, Iran	حسن احدی استاد گروه روان‌شناسی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران		

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش سه سبک دلبستگی در اولویت‌های انتخاب همسر بود. ۱۱۴ دانشجوی مجرد (۶۸ دختر، ۴۶ پسر) از دانشگاه‌های دولتی شهر تهران با دامنه سنی ۲۲ تا ۴۰ به عنوان نمونه در دسترس انتخاب و به برنامه انتخاب همسر محقق ساخته به زبان برنامه‌نویسی C که یک برنامه رایانه‌ای شامل ویژگی‌های فردی، آزمون انتخاب همسر، و پرسشنامه دلبستگی هازن و شایور (۱۹۸۷) است، پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون t و مدل رگرسیون بهره گرفته شد. نتایج نشان دادند هر دو گروه زنان و مردان دو ملاک جاذبه و عشق دوطرفه و وفاداری را به عنوان دو اولویت اول و دوم مطرح می‌کنند اما در ملاک سوم زنان شخصیت مستقل و مردان سازگاری را مهم دانستند. سبک دلبستگی اجتنابی با ملاک مطیع بودن رابطه مثبت معنادار داشت در حالی که سبک ایمن با ملاک‌های مطیع بودن و آشپزی و خانه‌داری خوب رابطه منفی معنادار داشت.

واژه‌های کلیدی: سبک دلبستگی، انتخاب همسر، ازدواج، ارجحیت ملاک‌ها

Abstract

The present study aimed to examine the role of attachment styles in mate selection preferences. One hundred fourteen unmarried students (68 females, 46 males) between ages 22 and 40 were selected by convenient sampling from Public Universities of Tehran. The participants answered a researcher-made computer program comprised of personal characteristics, mate selection test, and the Hazan and Shaver's Attachment Inventory (1987). To analyze the data t-test and regression model were used. The results indicated that both females and males prefer the criteria of mutual attraction-love and loyalty as the first and second priorities but in the third criterion females considered the independent character important and males regarded adaptation important. There was a significant positive correlation between avoidant attachment style and abiding criterion. There was a significant negative correlation between the secure style and criteria of abiding and good cooking and housekeeper.

Keywords: attachment style, mate selection, marriage, priority of criteria

received: 9 June 2014

accepted: 3 November 2014

Contact information: narges_razeghi@yahoo.com

دریافت: ۹۳/۳/۱۹

پذیرش: ۹۳/۸/۱۲

این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته روان‌شناسی است.

مقدمه

تجربه‌های دلبستگی اولیه، اطلاعاتی درباره خود و مراقبان اولیه ارائه می‌دهند که کودک آنها را به صورت بازنمایی‌های ذهنی^۱ یا در قالب الگوهای فعال درونی^۲ سازماندهی می‌کند. طبق نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۸۰)، این الگوهای دلبستگی راهنمای روابط صمیمانه در گستره زندگی فرد است. انتخاب همسر^۳ و کیفیت رابطه بین زن و شوهر نیز تحت تأثیر نخستین خاطرات رابطه والدفرزندی آنها قرار دارد. وست و شلدون-کلی (۱۹۹۴) دلبستگی بزرگسال را روابط دوبه‌دویی تعریف می‌کنند که در آن هم‌جواری با یک شخص خاص، ترجیح داده می‌شود و منجر به ایجاد حس ایمنی^۴ می‌شود. برمن^۵ و اسپرلینگ^۶ (۱۹۹۴) نقل از کولو، (۲۰۰۱) نیز دلبستگی بزرگسال را گرایش پایدار شخص، تلاش ویژه برای دست یافتن یا حفظ هم‌جواری و ارتباط با یک یا چند شخص خاص می‌دانند که توانایی فراهم آوردن سلامت و امنیت جسمانی و روانی وی را دارند.

هر دو دیدگاه روان‌پوی دلبستگی و نظریه تکاملی نشان می‌دهند که همسرگزینی ممکن است ترجیحاً شبیه به پدر و مادر فرد باشد (مک‌کری، ویلمسن و بومسما، ۲۰۱۲). در این راستا، هفرنن و فرلی (۲۰۱۳) تأثیر تجارب مراقبت‌های اولیه در ترجیحات همسر را بررسی کردند. در این پژوهش شرکت‌کنندگان در یک نظرسنجی به جذابیت چهره هدف امتیاز می‌دهند. افرادی که پدر و مادر مسن‌تری داشته‌اند به چهره‌های جا افتاده‌تر امتیاز بیشتری دادند در حالی که شرکت‌کنندگان با پدر و مادر جوان، جذب چهره‌های جوان‌تر شدند. نتایج همخوان با آن است که چگونه تجربیات اولیه ممکن است نقش مهمی در ترجیحات همسرگزینی ایفا کند.

هازن و شیور (۱۹۸۷) طبقه‌بندی سه‌گانه الگوهای دلبستگی آینثورث^۷ (۱۹۸۲) نقل از ماندر و هانتز، (۲۰۰۱) را به صورت مناسباتی از روابط عاشقانه بزرگسالان، ارائه کرده‌اند. بزرگسالان ایمن در مقایسه با سایرین راحت‌تر می‌توانند با دیگران صمیمی شوند در حالی که به آنها وابسته‌اند؛ یا در حالی که دیگران به آنها وابسته‌اند، احساس آرامش می‌کنند (نقل از مؤمن‌زاده، ۱۳۸۱).

این افراد حدود ۵۵ تا ۶۵ درصد جمعیت کلی را تشکیل می‌دهند (میکلسون^۸، کسلر^۹ و شیور^{۱۰} ۱۹۹۷) نقل از ماندر و هانتز، (۲۰۰۱). اعتماد به خود و دیگران دو ویژگی اصلی افراد ایمن محسوب می‌شود (بشارت، ۱۳۸۰). رفتار اکتشافی و تقرب‌جویی نیز دو مشخصه دیگر افراد دارای دلبستگی ایمن است (کسیدی^{۱۱} و شیور، ۱۹۹۹) نقل از بشارت، (۱۳۹۲).

بزرگسالان نایمن اجتنابی^{۱۲} در صمیمی شدن با دیگران چندان راحت نیستند. برای آنها مشکل است به دیگران اعتماد کنند یا به خود اجازه دهند که به دیگران وابسته باشند. به اعتقاد آنها، همسرشان اغلب از آنها می‌خواهد که بیش از آنچه احساس راحتی می‌کنند خودمانی و صمیمی باشند (مومن‌زاده، ۱۳۸۱). آنها امکان یاری دیگران را در موقع تنیدگی رد می‌کنند (ماندر و هانتز، ۲۰۰۱). در پی انحلال روابط پیشین، روابط جدید نیز برحسب الگوی دلبستگی فرد متفاوت است. اجتناب‌گراها پس از انحلال یک رابطه کمتر از دوسوگراها مضطرب و مستأصل می‌شوند (گنگستاد و سیمپسون، ۲۰۰۰).

بزرگسالان نایمن مضطرب-دوسوگرا^{۱۳} درمی‌یابند که دیگران به آن اندازه که آنها دوست دارند تمایل به صمیمی شدن ندارند و غالباً نگرانند که همسرشان آنها را به طور واقعی دوست نداشته باشد یا نخواهد به زندگی با آنها ادامه دهد. این افراد دوست دارند به طور کامل با دیگران از نظر عاطفی درآمیزند و این امر گاهی اوقات موجب می‌شود که مردم از آنها کناره‌گیری کنند (مؤمن‌زاده، ۱۳۸۱). اصطلاحاتی نظیر مضطرب، وابسته، برانگیخته و در پی تأیید بودن، برای توصیف این افراد به کار می‌رود. اظهارات آنها درباره عاطفه، معمولاً شدید است و توانایی کمی در مهار نگرانی خود دارند (ماندر و هانتز، ۲۰۰۱).

یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های افراد در طول زندگی، تصمیم‌گیری در مورد انتخاب همسر است (فیسمن، اینگر، کمینکا و سیمونسون، ۲۰۰۶). تحقیقات جدید درباره انتخاب همسر از اواخر قرن بیستم (استویک و فینکل، ۲۰۰۸؛ شکلفورد، اسمیت و باس، ۲۰۰۵؛ فینکل، استویک و ماتپوز، ۲۰۰۷؛ کلوهن و لو، ۲۰۰۳؛ لتون، فاسلو و تاد، ۲۰۰۹؛

1. mental representations
2. internal working model
3. mate selection
4. security
5. Berman, W.

6. Sperling, M.
7. Ainsworth, M.
8. Mickelson, K.
9. Kessler, R.
10. Shaver, P.

11. Cassidy, J.
12. avoidant attachment style
13. ambivalent attachment style

جنس متفاوت است. زنان برای هوش، جاه‌طلبی، شخصیت، وضعیت مالی و پایبندی اما مردان برای جذابیت جسمانی و خانه‌داری ارزش بیشتری قائل هستند. برخی از روان‌شناسان تکاملی‌نگر معتقدند تاریخچه ژنتیکی، جنبه‌های اساسی در جاذبه دلدادگی است. لازم نیست که انگیزه‌های ما هشیار باشند، مسلماً جست‌وجوی ما برای یافتن شریک مناسب شامل موارد متفاوتی از جست‌وجوی یک دوست مناسب است (خالده، ۲۰۰۵). نظریه تکاملی در درک علت این تفاوت‌ها نقش مهمی دارد. طبق این دیدگاه چون توانایی باروری زنان محدود است، آنها به دنبال همسرانی هستند که بقا و سلامت فرزندان را تضمین کنند. در مقابل، مردان همسری را می‌جویند که جوان و شاداب بوده و توانایی فرزندآوری داشته باشد (باس و دیگران، ۱۹۹۰). نتایج پژوهش فین‌گلد (۱۹۹۲) در مورد دانشجویان آمریکایی نیز نشان داد زیبایی و جذابیت جسمانی همسران جزو ضروری‌ترین ملاک‌های انتخاب همسر ایده‌آل برای پسران است. تبیین دیدگاه زیست‌شناسی تکاملی درباره انتخاب همسر به این صورت مطرح می‌شود که انسان با ازدواج احتمال توزیع ژن‌های خود را به حداکثر می‌رساند. در جریان تنازع بقا، شایسته‌ترین اعضای یک گونه می‌توانند به اندازه‌ای بقا یابند که ویژگی‌های خود را به نسل بعد انتقال دهند.

با این وجود، دیدگاه یادگیری اجتماعی، ملاک‌های همسرگزینی را تحت تأثیر نقش‌های اجتماعی دو جنس می‌داند. مردان از همان ابتدا یاد می‌گیرند که جسور و مستقل باشند، رفتارهایی که به موفقیت در بازار کار منجر می‌شود. زنان رفتارهای مهرورزانه را فرا می‌گیرند که پرستاری را تسهیل می‌کنند. بعدها هر یک از دو جنس یاد می‌گیرند برای رگه‌هایی در طرف مقابل خود ارزش قائل شوند که متناسب با این نوع نقش‌پذیری است. برای مثال در فرهنگ‌هایی که برای دوجنس برابری بیشتری در حکومت و محیط کار وجود دارد، زنان بر وضعیت مالی مرد کمتر تأکید می‌کنند. مردان نیز به مهارت‌های خانه‌داری زن کمتر اهمیت می‌دهند (ایگلی و وود، ۱۹۹۹). در ایران، یافته‌های جبرئیلی، زاده‌محمدی و حیدری (۱۳۹۲) نشان دادند که ارزش‌های فرهنگی ازدواج مبنای روشنی برای ترجیح ملاک‌ها نیستند. پژوهش دلخمش

لوی‌استراس، ۲۰۰۶) شروع شده که بیشتر بر شایستگی نسبی نظریه تکاملی^۱ در برابر نظریه اجتماعی-اقتصادی^۲ بر تبیین تفاوت‌های جنسی در ملاک‌های انتخاب همسر متمرکز است (برای مثال باتابیال و بلادی، ۲۰۰۳؛ تودوسیویک، لوبینکویک و ارانسیک، ۲۰۰۳؛ چانگ، وانگ، شاکلفورد و باس، ۲۰۱۱؛ خالده، ۲۰۰۵؛ گاتس‌چال، مارتین، کیوش و ریا، ۲۰۰۴؛ گودوین و تینکر، ۲۰۰۱). اولویت‌ها و ملاک‌های همسرگزینی، ادراک فرد در مورد رگه‌ها یا ویژگی‌هایی است که از یک عشق خیالی یا همسر بالقوه، مطالبه می‌شود و تعداد زیادی از این ادراک‌ها آشکارا با هیجان‌ها در ارتباط هستند (باس، ۲۰۰۸). در همین راستا، سیمون (۲۰۱۲) نشان داد وقتی افراد متوجه می‌شوند که نسبت به ملاک‌های صحیح همسرگزینی بی‌توجه بودند، احساس سرخوردگی و فرسودگی زناشویی می‌کنند. به عبارت دیگر، انتخاب نامناسب ملاک‌های همسرگزینی می‌تواند یکی از منابع فرسودگی و زوال تدریجی زندگی زناشویی باشد. به منظور پیشگیری از فرسودگی زناشویی توجه جدی به ملاک‌های انتخاب همسر قبل از ازدواج، ضروری به نظر می‌رسد (لی و کنریک، ۲۰۰۶).

در تحقیق جامعی که توسط باس در ۳۷ کشور جهان از جمله ایران انجام شد و در سال ۱۹۹۰ انتشار یافت، پنج ملاک عمده همسرگزینی شامل: درآمد، بلندپروازی و کوشش، جوانی، عفت و پاکدامنی مورد بررسی قرار گرفتند. مردان به جذابیت، جوانی و عفت، و زنان به درآمد، بلندپروازی و کوشش امتیاز بالاتری دادند. نتایج کلی پژوهش نشان دادند زنان در انتخاب همسر به قدرت او در کسب درآمد اهمیت بیشتری می‌دهند، در حالی که مردان به قدرت باروری در زنان اهمیت بیشتری می‌دهند. باس نشان داد که با وجود پراکندگی‌های منحصر به فرد فرهنگی نمونه‌های مورد بررسی، گرچه اشتراک عمده‌ای بین آنها وجود داشت، اما در عین حال هر فرهنگ در ملاک‌های همسرگزینی تربیت خاص خود را داشت. در مقایسه نمونه ایرانی پژوهش مذکور با سایر نمونه‌های مورد بررسی در خاورمیانه، کمترین اشتراک با میانگین‌های بین‌المللی، مربوط به نمونه ایرانی بود (باس و دیگران، ۱۹۹۰). اهمیتی که افراد برای ویژگی‌های خاص قائل هستند، در دو

انتخاب شدند. افراد با مشاغل مختلف و تحصیلات متفاوت که تمایل به همکاری داشتند، انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان بایستی مجرد بوده، اختلال روان‌پزشکی خاصی را گزارش نکرده و در حال استفاده از دارو نیز نباشند. توزیع فراوانی و درصد گروه نمونه بر اساس ویژگی‌های فردی و جمعیت‌شناختی در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱
توزیع فراوانی و درصد گروه نمونه بر اساس ویژگی‌های فردی (N = ۱۱۴)

متغیرها	فراوانی	درصد
جنس		
زن	۶۸	۵۹/۶
مرد	۴۶	۴۰/۴
سن		
۲۲ - ۲۸	۵۶	۴۹/۱
۲۹ - ۳۶	۴۰	۳۵/۱
۳۷ - ۴۴	۱۰	۸/۸
۴۵ - ۵۲	۸	۷/۰
تحصیلات		
دیپلم	۱۸	۱۵/۸
فوق دیپلم	۲	۱/۸
کارشناسی	۷۰	۶۱/۴
کارشناسی ارشد	۲۰	۱۷/۵
دکتری	۴	۳/۵

فضای مجازی انتخاب همسر. برنامه انتخاب همسر محقق‌ساخته، یک برنامه رایانه‌ای است که به زبان برنامه‌نویسی C نوشته شده و شامل دو قسمت است: (۱) ویژگی‌های فردی شرکت‌کننده، (۲) آزمون انتخاب همسر^۱ و پرسشنامه دلبستگی بزرگسال^۲ (AAQ؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷). گزینه‌های موجود بر اساس نظرسنجی از گروه‌های تخصصی، مصاحبه‌های اولیه با افراد مختلف و مطالعه مقدماتی تعیین شدند. شیوه اجرای پژوهش به صورت فردی و محل اجرا، محل حضور شرکت‌کننده (محل زندگی یا محل کار) بود.

ویژگی‌های فردی شرکت‌کننده. قبل از اجراء توضیحات کامل به شرکت‌کننده داده شد. ابتدا از فرد خواسته شد در محیط رایانه‌ای به پرسش‌های ویژگی‌های فردی درباره جنس، سن، شغل، تحصیلات، اعتقادات دینی و وضعیت مالی جواب دهد و در مورد هر پرسش یک گزینه را انتخاب کند.

آزمون انتخاب همسر. گزینه‌های موجود براساس

(۱۳۹۲) نیز حاکی از آن بود که مثبت‌ترین بازخوردها به موضوع ازدواج، مبتنی بر ارزش‌های خودپیروی و برابرنگری بوده، و منفی‌ترین بازخوردها در قبال موضوع‌هایی اظهار شده‌اند که ارزش‌های محاط‌شدگی در ازدواج را پاس می‌دارند. به طور کلی نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند تجارب دوران کودکی نقش مهمی در شکل‌گیری ترجیح‌های همسرگزینی دارد و الگوهای والدینی ممکن است زوجین را در زمینه رگه‌های شخصیتی طرف مقابل هدایت کند (لوکازوسکی و رونی، ۲۰۱۰؛ مک‌کری و دیگران، ۲۰۰۸). در برخی از پژوهش‌ها نیز انتخاب همسر بر اساس ویژگی‌های شخصیتی فرد انتخاب‌کننده مورد مطالعه قرار گرفته است (فرنهام، ۲۰۰۹). تحقیقات اندکی به مسئله ارجحیت ملاک‌های انتخاب در ایران پرداخته‌اند. پژوهش‌ها اغلب به متغیرهای شخصیت و تحصیلات پرداخته‌اند (ابوالقاسمی و ایرانپور، ۱۳۷۹؛ غلامی، ۱۳۸۶؛ عابدی و فرحبخش، ۱۳۷۹؛ صداقت، قریشی و اسفندیاری، ۱۳۸۵). به این ترتیب انجام پژوهشی در حوزه ارجحیت ملاک‌های انتخاب که با روش عینی به بررسی فرایند انتخاب همسر پرداخته باشد و سبک‌های دلبستگی را نیز در نظر گرفته باشد، اطلاعات نو و بدیعی را در اختیار قرار خواهد داد. بر همین اساس مطالعه حاضر درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست که آیا سبک‌های دلبستگی در اولویت‌های انتخاب همسر نقش دارند؟ آیا بین اولویت‌های انتخاب همسر در مردان و زنان تفاوت وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر از نوع طرح‌های توصیفی است و با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش پی بردن به ارجحیت ملاک‌های انتخاب همسر است، می‌توان طرح را از نوع نظری در نظر گرفت، زیرا یافته‌های مطالعه به پیشرفت بدنه علمی موجود در این حوزه کمک می‌کند. از آنجا که قصد این پژوهش بررسی نقش سبک‌های دلبستگی در ترجیح ملاک‌های انتخاب همسر است، لذا جامعه پژوهش شامل افراد مجرد دانشگاه‌های دولتی تهران بود که در دامنه سنی بین ۲۲ تا ۴۰ سال قرار داشتند. از بین دو دانشگاه تربیت مدرس و شهید بهشتی، ۱۱۴ نفر (۶۸ دختر و ۴۶ پسر) به صورت نمونه‌برداری در دسترس و هدفمند

مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم مشخص کند. در واقع این امر تعیین می‌کند که تا چه حد این توصیف با ویژگی‌های آزمودنی مطابقت دارد. در بخش دوم، مجدداً همان توصیف‌ها مطرح می‌شود، اما این بار آزمودنی یکی از عبارات‌ها را به عنوان مناسب‌ترین توصیف در مورد احساسات خود انتخاب می‌کند. ضریب اعتبار از طریق آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۷۶ گزارش شده است (فینی و نولر، ۱۹۹۶). در ایران نیز ضریب اعتبار این پرسشنامه توسط بشارت (۱۳۹۲) با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۹۲ گزارش شد. اعتبار بازآزمایی این پرسشنامه برای درجه‌بندی متغیرهای سه‌گانه در محدوده زمانی یک تا هشت هفته ۰/۶۰ و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۷۸ گزارش شده است (پاکدامن، ۱۳۸۳). نتایج بررسی روایی واگرا نشان دادند سه توصیف پرسشنامه، سه محتوای جداگانه را می‌سجد. همبستگی دلبستگی ایمن با اجتنابی ۰/۱-، دلبستگی ایمن با مضطرب-دوسوگرا ۰/۵۴- و دلبستگی اجتنابی با مضطرب-دوسوگرا، ۰/۱۴ بود که بسیار کم است (پاکدامن، ۱۳۸۳).

به منظور مقایسه دو گروه زنان و مردان براساس اولویت‌های انتخاب از آزمون t و برای پیش‌بینی اولویت‌ها براساس سبک‌های دلبستگی از مدل رگرسیون پس رو استفاده شد.

یافته‌ها

برای هر یک از ملاک‌ها بر اساس امتیازی که به رتبه فرد در انتخاب‌های اول تا دهم فرد بستگی دارد تعریف و تفاوت میانگین این امتیازها به تفکیک جنس بررسی شد (جدول ۲). بر اساس نتایج جدول ۲ مشاهده می‌شود که زنان به ترتیب به ملاک نخست، ملاک هفدهم، ملاک دوم و ملاک یازدهم (جاذبه و عشق دو طرفه، وفاداری، استقلال شخصیت و صداقت) امتیاز داده‌اند، یعنی برای انتخاب همسر به این ملاک‌ها رتبه اول تا چهارم را داده‌اند. در مردان به ترتیب ملاک نخست، ملاک هفدهم و ملاک پنجم (جاذبه و عشق دو طرفه، وفاداری، سازگاری) اولویت اول تا سوم جهت انتخاب همسر بوده است. نتایج آزمون t هیچ تفاوت معناداری را بین دو گروه زن و مرد برای هیچ کدام از ملاک‌ها نشان نداد. به

نظرسنجی از گروه‌های تخصصی، مصاحبه‌های اولیه با افراد مختلف و مطالعه مقدماتی مشخص شدند. در همین راستا به منظور احراز روایی محتوایی، ابزار ساخته‌شده به متخصصان این حوزه ارائه و در گروه پنج نفره مورد بحث و بررسی قرار گرفت و از آنها خواسته شد سودمندی ابزار را درباره ملاک‌های انتخاب همسر مورد ارزیابی قرار دهند. در نهایت بر اساس مطالعه مقدماتی ۲۲ ملاک برای پژوهش نهایی انتخاب شدند. ملاک‌ها عبارت بودند از: جاذبه و عشق دوطرفه، استقلال شخصیت، پایداری و پختگی هیجانی، خوش‌مشربی و خوی خوشایند، سازگاری، سلامتی خوب، داشتن تحصیلات، هوش و کفایت عقلانی، اجتماعی بودن، علاقه‌مندی به خانه و بچه، خانواده‌دوستی، صداقت و یکرویی، مطیع بودن، خوش‌قیافه بودن، جاه‌طلب و ساعی بودن، آشپزی و خانه‌داری خوب، آینده مالی خوب، وفاداری، موقعیت و رتبه مطلوب اجتماعی، نداشتن روابط جنسی قبلی، زمینه مذهبی مشابه، زمینه سیاسی مشابه، باروری. آزمودنی بر اساس اولویت شخصی خود، ملاک مورد نظر خود را مشخص می‌کند. «فرض کنید می‌خواهید یک نفر را برای ازدواج انتخاب کنید. اولویت‌های انتخاب شما به ترتیب کدامند.» در انتهای برنامه ترتیب اولویت‌های انتخاب‌شده توسط آزمودنی در بخش داده‌ها ارائه شد. متغیرهای نظرسنجی متغیرهای پنهان نبودند که نیاز به بررسی اعتبار داشته باشند و تنها با در نظر گرفتن ویژگی‌های مورد نظر برای ازدواج، نظرسنجی انجام شد. به عبارت دیگر، افراد بر اساس اولویت خود ملاک‌ها را انتخاب می‌کردند.

پرسشنامه دلبستگی بزرگسال (AAQ): هازن و شیور، (۱۹۸۷). این پرسشنامه یک ابزار دقیق و بسیار متداول در اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی بزرگسالان است و یک ابزار اندازه‌گیری تک عاملی خودگزارش‌دهی است که با روابط بزرگسالان تطبیق داده شده است. این پرسشنامه مشتمل بر سه عبارت توصیفی از احساسات فرد درباره روابط بین‌فردی است که هر کدام از آنها به یکی از سبک‌های دلبستگی اشاره دارد. پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان شامل دو بخش است که در بخش اول سه پاراگراف اساسی به شکل جمله‌های توصیفی مطرح شده که آزمودنی باید پاسخ‌های خود را براساس

منظور بررسی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و انتخاب ملاک‌ها با استفاده از امتیازهای مذکور مدل رگرسیون پس‌رو (شد). این نتایج در جدول ۳ منعکس شده است.

جدول ۲

مقایسه میانگین و انحراف استاندارد امتیاز اولویت‌های انتخاب به تفکیک جنس

ملاک‌ها	زن		مرد	
	SD	M	SD	M
جاذبه و عشق دو طرفه	۲/۴۶۹	۰/۷۲	۲/۴۵۶	۰/۷۱
استقلال شخصیت	۱/۷۴۷	۰/۴۷	۱/۲۳۱	۰/۲۷
پایداری و پختگی هیجانی	۱/۴۰۷	۰/۳۱	۱/۱۴۲	۰/۲۱
خوش‌مشرب و خوی خوشایند	۱/۱۰۷	۰/۲۵	۰/۹۰۰	۰/۱۴
سازگاری	۱/۷۸۱	۰/۴۳	۱/۹۰۳	۰/۵۱
سلامتی خوب	۱/۱۷۶	۰/۲۴	۱/۴۶۳	۰/۳۸
تحصیلات	۱/۲۳۳	۰/۲۶	۱/۱۰۶	۰/۳۰
هوش و کفایت عقلانی	۱/۷۱۸	۰/۴۱	۱/۷۱۴	۰/۳۹
اجتماعی بودن	۱/۳۳۸	۰/۳۳	۱/۱۵۱	۰/۲۵
علاقه‌مندی به خانه و بچه، خانواده‌دوستی	۰/۸۰۹	۰/۱۲	۱/۱۸۵	۰/۲۰
صداقت و یکرویی	۱/۷۰۳	۰/۴۷	۱/۷۹۴	۰/۴۷
مطیع‌بودن	۰/۷۲۱	۰/۰۸	۰/۶۳۶	۰/۰۸
خوش‌قیافه بودن	۱/۴۹۰	۰/۳۱	۱/۴۲۹	۰/۳۲
جاه‌طلب و ساعی بودن	۰/۴۵۷	۰/۰۶	۰/۳۹۶	۰/۰۳
آشپزی و خانه‌داری خوب	۰/۴۴۰	۰/۰۳	۰/۸۸۴	۰/۱۱
آینده مالی خوب	۱/۲۱۵	۰/۲۳	۰/۸۸۴	۰/۱۱
وفاداری	۱/۹۶۳	۰/۵۸	۲/۰۶۰	۰/۶۳
موقعیت و رتبه مطلوب اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰
نداشتن روابط جنسی قبلی	۰/۵۱۴	۰/۰۴	۱/۰۶۶	۰/۱۴
زمینه مذهبی مشابه	۰/۷۰۴	۰/۰۸	۰/۹۳۸	۰/۱۴
زمینه سیاسی مشابه	۰/۵۸۴	۰/۰۷	۰/۳۳۰	۰/۰۲
باروری	۰/۲۷۱	۰/۰۱	۰/۶۲۹	۰/۰۸

ملاک‌های ۱۲ (مطیع بودن) و ۱۵ (آشپزی و خانه‌داری خوب) رابطه منفی معنادار دارد.

سبک دوسوگرا-مضطرب با ملاک‌های ۷ (تحصیلات) و ۱۶ (آینده مالی خوب) رابطه منفی معنادار و سبک ایمن با

جدول ۳

پیش‌بینی اولویت انتخاب ملاک‌ها بر اساس سبک دلبستگی غالب

متغیرهای پیش‌بین	R ^۲	B	SE	β	t
سبک دوسوگرا	۰/۰۱۷	۰/۱۳۲*	۰/۰۶۰	-۰/۰۹۲	-۲/۱۹۸*
سبک ایمن	۰/۰۱۵	-۰/۲۰۸*	۰/۰۹۷	-۰/۰۹۰	-۲/۱۵۶*
ملاک ۷ (تحصیلات)					
ملاک ۱۶ (آینده مالی خوب)					
ملاک ۱۲ (مطیع بودن)					
ملاک ۱۵ (آشپزی و خانه‌داری خوب)					

*P < ۰/۰۵

نیست که با فردی مطیع ازدواج کنند و آشپزی و خانه‌داری خوب نیز برای آنها اهمیتی ندارد. همان‌طور که انتظار می‌رود فرد ایمن روندی طبیعی و مثبت را برای اکتشاف پیرامون خود طی می‌کند و کمتر توسط نایم‌نی‌های درونی برانگیخته

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که سبک دوسوگرا برای ملاک‌های تحصیلات و آینده مالی خوب اهمیت چندانی قائل نیست. از طرفی برای افراد با سبک ایمن چندان مهم

بحث

برای زنان و مردان ایرانی با رتبه یکسان در اولویت سوم قرار گرفته است. بدین ترتیب می‌توان گفت در پژوهش حاضر جاذبه و عشق متقابل با توجه به تغییرات فرهنگی برای هر دو جنس در اولویت است. گرچه در طول اجرا چنین مشخص شد که این ملاک تا حد زیادی کلی و انتزاعی، است. شاید بهتر باشد در تحقیقات آینده ملاک‌های عینی‌تر و مشخص‌تری مطرح شود.

زنان ایرانی در مطالعه باس، برای استقلال شخصیت مردان اولویت ۶ را لحاظ کردند (باس و دیگران، ۱۹۹۰)، اما در پژوهش حاضر جایگاه سوم را برای زنان دارد. استقلال مرد در راستای ملاک کفایت و کارایی وی اهمیت دارد چرا که در روان‌شناسی تکاملی‌نگر، کفایت مرد برای تضمین بقای فرزندان ضروری است و زنان همچون پیشینیان خود برای این ملاک اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند. این یافته از نظریه تکاملی در این باب حمایت می‌کند.

زنان و مردان مطالعه حاضر برای هوش و کفایت عقلانی، رتبه بالایی قائل شدند که این یافته نیز از نظریه تکاملی‌نگر حمایت می‌کند. چراکه هوش و کفایت عقلانی نیز ضامن بقا، سلامت و انتشار ژن‌های قوی‌تر است. در پژوهشی که در کشورهای صنعتی و در حال توسعه اجرا شد، مشخص شد که زنان برای هوش، جاه‌طلبی، وضعیت مالی و منش اخلاقی ارزش قائل‌اند (کرامر، شیفر و رید، ۲۰۰۳). لی، کنریک، بیلی و لینزمر (۲۰۰۲) نیز دریافتند برای هر دو جنس شخصیت و منش، مهربانی و هوش اهمیت دارند.

پژوهش‌های لی و کنریک (۲۰۰۶) و مادر (۲۰۰۶) سرآغاز پژوهش‌هایی بود که به دنبال شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین دو جنس در فرایند انتخاب همسر بودند. لی و دیگران (۲۰۰۲) علت تناقض در یافته‌های مربوط به تفاوت بین دو جنس را در روش پژوهش‌ها می‌دانند. شاید با پیشرفت جوامع و تغییرات فرهنگی، حضور برابر زنان در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و... تغییراتی را در جهت نزدیک شدن ملاک‌های انتخاب دو جنس ایجاد کند. زنی که در گذشته به دنبال کفایت اقتصادی و درآمد مرد بود تا هزینه‌های زندگی خود و فرزندانش را تأمین کند، امروز شاید به دلیل استقلال

می‌شود. بشارت (۱۳۹۲) نیز معتقد است اعتماد به خود و دیگران دو ویژگی اصلی افراد ایمن محسوب می‌شوند. در حالی که افراد نایمن به دلیل اینکه ممکن است توسط هیجان‌هایی که به‌طور کاملاً ناهشیار و براساس الگوهای فعال منفی درونی اعمال می‌شود، ملاک‌هایی را در نظر بگیرند که بیشتر دغدغه‌های هیجانی آنهاست تا ملاک‌هایی منطقی و متناسب با موقعیت. در این زمینه پژوهشی که مشابه مطالعه حاضر باشد و به پیش‌بینی ملاک‌های انتخاب همسر بر اساس سبک دلبستگی بپردازد، یافت نشد. بشارت (۱۳۹۲) در پژوهش خود به این مهم اشاره می‌کند که به‌طور کلی، در طرح‌ریزی رفتار، بزرگسالان ایمن عوامل و ملاحظات شناختی و هیجانی را با یکدیگر تلفیق می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که فقط یکی از آنها تسلط یابند. بزرگسالان مضطرب-دوسوگرا بیشتر بر عوامل هیجانی متمرکز می‌شوند تا عوامل شناختی. در مقابل، افراد اجتنابی به عوامل شناختی بیش از حد اهمیت می‌دهند و واکنش‌های هیجانی نظیر اضطراب و ترس را نادیده می‌گیرند. تحقیقات زیادی (کولینز، ۱۹۹۶؛ کریک پاتریک و دیویس، ۱۹۹۴) نشان داده‌اند برخلاف افراد نایمن، افرادی که دلبستگی ایمن دارند نه تنها یکدیگر را می‌پذیرند، بلکه تا پایان راه یکدیگر را همراهی می‌کنند.

برخی از محققان دریافتند که علت تنهایی بسیاری از افراد تنها، به مشکلات برقراری ارتباط با والدین در دوره کودکی، رابطه خشک و سرد با آنها یا روابط بیش از حد کنترل‌شده توسط والدین عاطفی و احساساتی برمی‌گردد (شیور، اسکاچنر و میکولینسر، ۲۰۰۵). به همین ترتیب سبک دلبستگی می‌تواند بر فرایند انتخاب صحیح همسر نیز تأثیر بسزایی داشته باشد. چنان که گاهی اوقات افراد بر اساس تعارض‌های روانی خود سناریوی دوران کودکی خود را تکرار می‌کنند. مثلاً پسر یا دختری که مادر طردکننده داشته و احساس رهاشدگی را تجربه کرده است، به صورت ناهشیار همسری انتخاب می‌کند که رفتارهای اجتنابی و طردکننده داشته باشد.

مطالعه حاضر همسو با پژوهش باس و دیگران (۱۹۹۰) و بداده و تیمان (۲۰۰۵) که جاذبه و عشق دوطرفه، اولین ملاک برای زنان و مردان در کل نمونه باس و دیگران (۱۹۹۰) بود،

روان‌شناختی (متناسب بودن رفتار همسر، قدرت تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری، عدم وجود اختلال روانی در همسر و خانواده او، عشق و علاقه طرفین به یکدیگر و شناخت از یکدیگر پیش از ازدواج) در انتخاب همسر بیشترین اهمیت را داشته است. در این پژوهش نیز جاذبه و عشق دو طرفه بیشترین اهمیت را برای زنان و مردان داشته است.

یافته‌های پژوهش سپهری (۱۳۹۱) نشان دادند پسران ملاک زیبایی را زودتر از دختران مورد بررسی قرار داده‌اند اما هنگام انتخاب تفاوت معناداری با دختران ندارند. در این زمینه در پژوهش حاضر نیز بین مردان و زنان در زمینه اولویت جاذبه و عشق دو طرفه تفاوت مشاهده نشد. فلچر، تایتلر، اولاپهیم، فریسن و اوورال (۲۰۰۴) جاذبه را در اولویت مردان یافتند اما یافته‌های بداده و تیمان (۲۰۰۵) حاکی از آن بود که تفاوتی بین دو جنس در بررسی ملاک جذابیت ظاهری وجود نداشت.

پژوهش لی و کنریک (۲۰۰۶) پیشنهاد می‌کند که برای بررسی فرایند پیچیده انتخاب همسر هیچ روی‌آوردی به تنهایی قادر به تبیین همه مسائل نیست و یک روی‌آورد جامع برای تبیین فرایند انتخاب همسر ضروری است. انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه با استفاده از ابزارهای عینی‌تر و نیز در نظر گرفتن متغیرهای واسطه‌ای می‌توانند موجب غنای نظریه‌ها شود. از محدودیت‌های این پژوهش حجم نمونه انتخابی و محدود بودن جامعه آماری است. لذا در تعمیم نتایج باید جانب احتیاط را رعایت کرد. اولویت انتخاب می‌تواند تحت تاثیر عوامل مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی باشد که عامل فرهنگ یکی از آنهاست. این مهم نیز از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. نرم‌افزار ساخته شده در این مطالعه برای پژوهشگران، مشاوران، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مراکز تصمیم‌گیری‌های کلان جوانان ابزاری کارآمد و مفید خواهد بود. همچنین مطالعه گسترده تأثیر سبک دلبستگی بر فرایند همسرگزینی چهارچوبی فراهم می‌آورد که بتوان انتقال دلبستگی را طی چرخه حیات مطالعه کرد. از آنجا که طحاره‌های سازش‌نا یافته اولیه همبستگی بالایی با سبک دلبستگی فرد دارند، بررسی طحاره‌های سازش‌نا یافته اولیه نیز در پژوهش‌ها و همچنین در مشاوره ازدواج می‌تواند راهنمای خوبی برای محققان و مشاوران باشد. استفاده از

مالی، خود را از این ملاک بی‌نیاز ببیند. از سوی دیگر، امروزه با ترویج فرهنگ فردگرایی و توجه به لذت‌گرایی، افرادی که تمایل به ازدواج ندارند یا زوج‌هایی که تمایلی به باروری ندارند، بسیارند. این در حالی است که نظریه‌های تکاملی‌نگر و پژوهش‌های برخاسته از آن، داشتن فرزند سالم و فرزندپروری موفق برای هر دو طرف را علت ازدواج و انتخاب ملاک‌ها مطرح کرده‌اند. بنابراین پژوهش‌های گسترده‌تری نیاز است تا این تغییرات را در نظریه تکاملی به چالش بکشد.

پژوهش‌هایی متعدد با روی‌آورد تکاملی‌نگر انجام شده است. برای مثال می‌توان به پژوهش‌های شکلفورد، اسمیت و باس (۲۰۰۵)، باس و دیگران (۱۹۹۰)، تادیناک و هروماتکو (۲۰۰۶)، چانگ و دیگران (۲۰۱۱)، شکلفورد و باس (۲۰۰۸)، جولی (۲۰۰۶) اشاره کرد. ملاک‌های انتخاب همسر، باوجود اشتراک‌های جهان‌شمول تکاملی، می‌تواند تحت تأثیر فرهنگ هر جامعه و یادگیری اجتماعی نیز قرار گیرد؛ بر همین اساس نتایج پژوهش حاضر با مطالعات انجام‌شده در ایران مقایسه شد، هرچند متغیر دلبستگی در پژوهش‌های پیشین مورد مطالعه قرار نگرفته است. نتایج پژوهش ابوالقاسمی و ایران‌پور (۱۳۷۹) نشان دادند بین ملاک‌های همسرگزینی زنان و مردان تفاوت وجود دارد. زنان به وفاداری، اخلاق خوب، احساس مسئولیت، شخصیت و توانایی‌های مردان و مردان بیشتر به سن، زیبایی، صداقت و باروری اهمیت می‌دهند. یافته این پژوهش با مطالعه فوق در زمینه اهمیت زنان به وفاداری و استقلال شخصیت همسو است اما هر دو گروه زنان و مردان رتبه دوم را برای وفاداری در نظر گرفتند و برای زنان و مردان نیز عامل صداقت به یک اندازه حائز اهمیت است. وفاداری و صداقت، دو ویژگی ارزشمند و مهم به‌شمار می‌روند که موجب احساس ایمنی می‌شود و بقای خانواده، فرد و فرزندان را تضمین می‌کنند. این یافته از نظر تکاملی نیز قابل تبیین است. در تحقیق یزدانی (۱۳۸۰) نیز دانشجویان پسر به ملاک‌های سلامت جسمانی، زیبایی، جذابیت ظاهری و سن اهمیت داده‌اند، در حالی که برای دانشجویان دختر معیارهای اجتماعی (رضایت والدین طرفین، تناسب تحصیلات دختر و پسر، مشترک بودن مذهب، زبان و فرهنگ طرفین) و معیارهای

پسران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

مظاهری، م. ع. (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج. *مجله روان‌شناسی*، ۴، ۱۵-۲۵.

مؤمن‌زاده، ف. (۱۳۸۱). *ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.

یزدانی، م. (۱۳۸۰). بررسی مقایسه‌ای معیارهای ازدواج از دیدگاه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی اصفهان*، ۷، ۱۴۲-۱۲۳.

Badahdah, A. M., & Tiemann, K. A. (2005). Mate selection criteria among Muslims living in America. *Evolution and Human Behavior*, 26, 432-440.

Batabyal, A. A., & Beladi, H. (2003). Spouse selection in arranged marriages: An analysis of time invariant and time variant decision rules. *Journal of Economic Research*, 8, 77-91.

Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss: Sadness and depression*. New York: Basic Books .

Buss, D. M., Abbott, M., Angleitner, A., Asherian, A., Biaggio, A., & Blanco-Villasenor, A., et al. (1990). International Preferences in Selecting Mates: A Study of 37 cultures. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 21, 5-47.

Buss, D. M. (2008). *Evolutionary psychology: The new science of the mind*. Boston, MA: Pearson.

Chang, L., Wang, Y., Shackelford, T. K., & Buss, D. M. (2011). Chinese mate preferences: Cultural evolution and continuity across a quarter of a century. *Personality and Individual Differences*, 50, 678-683.

Collins, N. L. (1996). Working models of attachment: Implications for explanation, emotion, and behavior. *Journal of Personality and Social Psy-*

گروه‌های همگن‌تر با تعداد آزمودنی بیشتر در گروه‌های سنی، تحصیلی و اجتماعی و فرهنگی خاص، می‌تواند اطلاعات دقیق‌تر و بیشتری ارائه دهد. بررسی این عوامل در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود.

منابع

ابوالقاسمی، ع. و ایرانپور، ج. (۱۳۷۹). بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی و شخصیتی در ملاک‌های انتخاب همسر دانشجویان. *مجموعه مقالات همایش دانشجو و عفاف*، تهران، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.

بشارت، م. (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین ناباور. *فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی*، ۵ (۲۰-۱۹)، ۵۵-۶۶.

بشارت، م. (۱۳۹۲). *مقیاس دلبستگی بزرگسال. روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۳۵، ۳۲۰-۳۱۷.

پاکدامن، ش. (۱۳۸۳). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۹، ۲۷-۲۵.

جبرئیلی، ه.، زاده‌محمدی، ع. و حیدری، م. (۱۳۹۲). نقش ارزش‌های فرهنگی ازدواج و تفاوت‌های جنسی در انتخاب همسر.

فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۹ (۳۶)، ۳۷۷-۳۸۸.

دلخموش، م. (۱۳۹۲). بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۹ (۳۶)، ۳۵۰-۳۳۱.

سپهری، ص. (۱۳۹۱). *بررسی فرایند تصمیم‌گیری در انتخاب همسر به روش جست‌وجوی اطلاعات*. پایان نامه دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

صداقت، ک.، قریشی، ف. و اسفندیاری، ی. (۱۳۸۵). بررسی ملاک‌های انتخاب همسر دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تربیت معلم آذربایجان. *چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران*، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.

عابدی، د. و فرحبخش، ک. (۱۳۷۹). بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *طب و تزکیه*، ۳۹، ۴۲-۳۴.

غلامی، ل. (۱۳۸۶). *مقایسه معیارهای همسرگزینی در بین دختران و*

- evolution of human mating: Trade-offs and strategic pluralism. *Behavioral and Brain Sciences*, 23, 573-644.
- Goodwin, R., & Tinker, M. (2001).** Value priorities and preferences for a relationship partner. *Journal of Personality and Individual Differences*, 32, 1339-1349.
- Gottschall, J., Martin, J., Quish, H., & Rhea, J. (2004).** Sex differences in mate choice criteria are reflected in folktales from around the world and in historical European literature. *Journal of Evolution and Human Behavior*, 25, 102-112
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987).** Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Heffernan, M. E., & Fraley, R. C. (2013).** Do early caregiving experiences shape what people find attractive in adulthood? Evidence from a study on parental age. *Journal of Research in Personality*, 47(4), 364-368.
- July, W. W. (2006).** *Does love conquer all? Mate selection preferences in relation to the storage love style.* Doctoral dissertation, Chappelle University.
- Khallad, Y. (2005).** Mate selection in Jordan: Effects of sex, socio-economic status, and culture. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22, 155-168.
- Kirkpatrick, L. A., & Davis, K. E. (1994).** Attachment style, gender, and relationship stability: A longitudinal analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66, 506-512.
- Klohnen, E. C., & Luo, S. (2003).** Interpersonal attraction and personality: What is attractive, self-similarity, ideal similarity, complementarity, or attachment security? *Journal of Personality and Social Psychology*, 71(4), 810-832.
- Cloulow, C. (2001).** *Adult attachment and couple psychotherapy: The secure base in practice and research.* East Sussex: Brunner-Routledge.
- Eagly, A. H., & Wood, W. (1999).** The origins of sex differences in human behavior: Evolved dispositions versus social roles. *American Psychologist*, 54(6), 408-423.
- Eastwick, P. W., & Finkel, E. J. (2008).** Sex differences in mate preferences revisited: Do people know what they initially desire in a romantic partner? *Journal of Personality and Social Psychology*, 94, 245-264
- Feeney, J., & Noller, P. (1996).** *Adult Attachment.* London: Sage Publication.
- Feingold, A. (1992).** Gender differences in mate selection preferences: A test of the parental investment model. *Psychological Bulletin*, 112(1), 125-139.
- Finkel, E. J., Eastwick, P. W., & Matthews, J. (2007).** Speed-dating as an invaluable tool for studying romantic attraction: A methodological primer. *Personal Relationships*, 14, 149-166.
- Fisman, R., Iyengar, S. S., Kamenica, E., & Simonson, I. (2006).** Gender differences in mate selection: Evidence from a speed dating experiment. *Quarterly Journal of Economics*, 121, 673-697.
- Fletcher, G. J. O., Tither, J. M., O'Loughlin, C., Friesen, M., & Overall, N. (2004).** Warm and homely or cold and beautiful? sex differences in trading off traits in mate selection. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 30, 659-672.
- Furnham, A. (2009).** Sex differences in mate selection preferences. *Personality and Individual Differences*, 47, 262-267.
- Gangestad, S. W., & Simpson J. A. (2000).** The

- Personality*, 76, 1137-1164.
- McCrae, R. R., Willemsen, G., & Boomsma, D. (2012).** Are parental personality traits a basis for mate selection? *Journal of Research in Personality*, 46 (4), 455-457.
- Shackelford, T. K., & Buss, D. M. (2008).** Socio-economic development and shifts in mate preferences. *Evolutionary Psychology*, 6(3), 447-455.
- Shackelford, T. K., Schmitt, D. P., & Buss, D. M. (2005).** Universal dimensions of human mate preferences. *Personality and Individual Differences*, 39, 447-458.
- Shaver, P. R., Schachner, D. A., & Mikulincer, M. (2005).** Attachment style, excessive reassurance seeking, relationship processes, and depression. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 343-359.
- Simon, C. (2012).** I like who you like, but only if I like you: Female character affects mate-choice copying. *Personality and Individual Differences*, 52 (6), 691-695.
- Tadinac, M., & Hromatko, I. (2006).** Strangers in the night or love forever: Characteristics and preferences of short vs. long-term relationship seekers. *Psychological Topics*, 15, 261-276.
- Todosijevic, B., Ljubinkovic, S., & Arancic, A. (2003).** Mate selection criteria: A trait desirability assessment study of sex differences in Serbia. *Evolutionary Psychology*, 1, 116-126.
- West, M. L., & Sheldon-Keller, A. E. (1994).** *Patterns of relating: An adult attachment perspective*. New York: Guilford Press.
- chology*, 85 (4), 709-722.
- Lenton, A. P., Fasolo, B., & Todd, P. M. (2009).** The relationship between number of potential mates and mating skew in humans. *Animal Behavior*, 77(1), 55-60.
- Levi-Strauss, C. (2006).** Historical trends and variations in educational homogamy. *Journal of Marriage and Family*, 333, 83-95.
- Li, N. P., & Kenrick, D. T. (2006).** Sex similarities and differences in preferences for short term mates: What, whether and why. *Journal of Personality and Social Psychology*, 90, 468-489.
- Li, N. P., Kenrick, D. T., Bailey, J. M., & Linsenmeier, J. A. (2002).** The necessities and luxuries of mate preferences: Testing the tradeoffs. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 947-955.
- Lukaszewski, A. W., & Roney, J. R. (2010).** Kind toward whom? Mate preferences for personality traits are target specific. *Evolution and Human Behavior*, 31 (1), 29-38.
- Mather, R. (2006).** Using evolutionary psychology to account for sex differences and similarities in psychological tendencies. *Journal of Scientific Psychology*, 1, 1-5.
- Maunder, R. G., & Hunter, J. J. (2001).** Using attachment theory to understand illness behavior. *General Hospital Psychiatry*, 23, 177-184.
- McCrae, R. R., Martin, T. A., Hrebickova, M., Urbanek, T., Boomsma, D. I., Willemsen, G., & Costa, P. T. (2008).** Personality trait similarity between spouses in four cultures. *Journal of*

